



سازمان القاعده

۷. سازمان القاعده در بستر جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان و با هدف مقابله با اشغال این کشور با ترکیب نیروهای جهادی عرب معروف به عرب‌های افغان و با راهبری اسامه بن لادن و عبدالله عزام و حمایت و پشتیبانی برخی کشورها از جمله عربستان و پاکستان در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد.

۸. القاعده در سال ۱۹۹۱ با سازمان جهاد اسلامی مصر به رهبری ایمن الظواهری متحد شد و سپس این دو تشکیلات در سال ۱۹۹۸ (اعلام رسمی در سال ۲۰۰۱) با هم ادغام شدند و نام جدید سازمان قاعده الجهاد را برگزیدند. دور رهبر نخست القاعده، اسامه بن لادن

(نماد سلفیت و هابیی و تندرو سعودی / ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۱) و ایمن الظواهری (نماد جنبش سلفی جهادی مصر / ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲)، با زتاب دهنده همین پیوند بودند؛ پیوندی که در پرتو تحولات جدید جهان اسلام و به طور مشخص اشغال کویت توسط عراق و ورود نیروهای آمریکا و متحدان آن به سرزمین وحی (شبه جزیره عربستان) برای حمله به عراق شکل گرفته و با نوعی دگردیسی آشکار سیاست اولیه القاعده رادر همراهی و همکاری با وهابیت رسمی حاکم بر عربستان و دولت این کشور به سیاستی ستیزه‌جویانه و همراه با درگیری با سعودی و حامیان پنهان و آشکار قبلی خود تبدیل کرد.

جماعت توحید و جهاد

۹. ابومصعب الزرقاوی که در سال ۱۹۹۹ «جماعت توحید و جهاد» رادر مخالفت با حضور آمریکا و نیروهای «غرب کافر مسیحی» در جهان اسلام» بنیان گذاشته بود در سال ۲۰۰۴ با بن لادن، امیر القاعده، بیعت کرد و تشکیلات تحت رهبری خود را به شاخه القاعده در عراق تبدیل کرد. زرقاوی در سپتامبر ۲۰۰۴ علیه شیعیان عراق اعلام جهاد کرد و با هدایت شمار زیادی از عملیات‌های انتحاری در تجمعات شیعیان روپارویی با شیعه و ایران را به اولویت اول القاعده عراق تبدیل کرد. داعش (دولت اسلامی عراق و شام) اگرچه از دل شاخه عراقی القاعده بیرون آمد، اما با تحولاتی به نماد یک دگرش دیگر در سیر تاریخی جنبش‌های سلفی تبدیل شد. این تحول محصول ترکیب اسلام القاعده‌ای با ایدئولوژی ناسیونالیسم

عربی حزب بعث بود؛ امری که از جمله در سیاست اصلی این سازمان برای اتحاد میان عراق و سوریه و همچنین در رادیکالیسم و تروریسم و وحشت‌آفرینی بی اندازه و خشونت بی‌پروای داعش بازتاب یافت.



داعش

۱۰. نتیجه این تحول به گونه‌ای عمیق و بنیادین بود که اولیویه روآ، برخلاف بسیاری از تحلیل‌گران، ظهور داعش و دیگر گروه‌های افراطی شبیه آن را مسئله‌ای دینی نمی‌داند. او معتقد است آنچه در قالب شکل‌گیری داعش شاهد آنیم «نه رادیکال شدن اسلام، بلکه اسلامی شدن رادیکالیسم است». روآ همچنین از زاویه جهان‌وطنی به داعش پرداخته و می‌گوید: «اگر شما حس ملی‌گرایانه نداشته

باشید و واقعاً بخواهید فراملی باشید، داعش تنها گزینه پیش‌رویتان است... خلافت در معنایی انتزاعی پدیده‌ای جهانی است. داعش ادعا نمی‌کند که در صد احیای خلافت عثمانی یا دولتی دیگر است... جهادی‌های می‌گویند: «داعش حقیقتاً نوعی انجمن اخوت است... داعش جنبشی جهان‌وطنی است [که در آن] 'جهاد' جای‌ایده انقلاب را گرفته است و 'امت' جای پرتولاریا را.»^۶